Cebrail
(030187)
10 Eylül 2017
SONRA GELEN DOKUMAN
532-546



المضلة»، «کتاب ...[1]» (نک: مل، برنار)؛ نیز:
Bernard, M., «Le Kitāb al-radd 'ala l-bida' d'Abu Muṭi' Makḥūl al-Nasafī», *Annales Islamologiques*, 1980, vol. XVI; Qasim Murad, H., «Jabr and Qadar in Early Islam: A Reappraisal of Their Political and Religious Implications», *Islamic Studies Presented to Charles J. Adams*, eds. W. B. Hallaq and D. P. Little, Leiden, 1991; Van Ess, J., *Zwischen Ḥadīt und Theologie*, Berlin/New York, 1975; Walker, P., introd., «Bāb-uš-Šaytān...» (vide: PB., Abū Tammām); Watt, W. M., *The Formative Period of Islamic Thought*, Oxford, 2002; id, Free *Will and Predestination in Early Islam*, London, 1948; Wolfson, H. A., *The Philosophy of the Kalam*, Harvard, 1976.

مسعود تاره

**جِبْرَئیل،** از فرشتگان مقرب درگاه الٰهی که واسطهٔ رساندن وحی پروردگار به انبیا، به ویژه پیامبر اسلام(ص) بود. نام جبرئیل ۳ بار در *قرآن* کریم در سوره‌های بقره (۹۷/۲، ۹۸) و تحریم (۴/۶۶) آمده است و در آن به مواردی از جایگاه این فرشته به عنوان رسانندهٔ وحی الٰهی، یار و یاور پیامبر (ص)، وصف او به امین و نیز مورد توجه بودن او نزد پروردگار و نکوهش دشمنی با وی اشاره شده است.

**واژهٔ جبرئیل و نامهای او:** در واژه‌شناسی سنتی اسلامی، نام جبرئیل ترکیبی از دو کلمهٔ «جبر» و «ایل» دانسته شده است. لغویان، مفسران و راویان در تبیین بخش نخست این ترکیب، در واژهٔ جبر، حرف جیم را به دو صورت مفتوح و مکسور به کار برده‌اند (جوهری، ۶۰۸/۲؛ طوسی، *التبیان*، ۳۶۱/۱-۳۶۳؛ ابن شهرآشوب، ۳۳۹/۲؛ ابن اثیر، ۸۶/۱) و با بیانی که نشان از ناشناخته بودن آن نزد ایشان دارد، معانی متفاوتی برای آن آورده‌اند. مثلاً به اختلاف جبر را معادلی برای فرشته، انسان، مرد، یا بنده دانسته‌اند (ازهری، ۵۸/۱۱-۵۹؛ ابن منظور، ذیل جبر؛ قس: مشکور، ۱۲۶/۱)، حال آنکه در خصوص بخش دوم یعنی ایل، تقریباً همگان آن را به معنی الله یا رب دانسته‌اند (برای نقد آن، نک : طوسی، همان، ۳۶۳/۱). معادل‌یابی نامهایی همچون عبد الله برای جبرئیل نیز در همین راستا ست (سیوطی، *الدر* ...، ۲۲۵/۱؛ ابن منظور، همانجا). به‌جز مشهورترین تلفظهای این نام، در منابع به تلفظهای دیگری هم اشاره شده است: جبریل بدون همزه (نک : ابوعمرو، *التیسیر*، ۷۵) که واژه‌ای سریانی و به معنای عبدالرحمان یا عبد العزیز دانسته شده است (جوالیقی، ۱۶۱-۱۶۲؛ *تاج العروس*، ذیل جبر؛ مناوی، ۱۲۳/۱)؛ و صورتهایی چون جبرائیل و جبرال و نیز جبرین که تلفظ بنی اسد دانسته شده است (طوسی، سیوطی، همانجاها؛ *قاموس*، ذیل جبر؛ ابن منظور، ذیل جبرل، نیز جبرن). جفری بر آن است که اصل این واژه عبری است که به واسطهٔ سریانی وارد زبان عربی شده است (ص 100-101).

درواقع به‌جز موارد تصریح شده به نام جبرئیل در *قرآن*، در روایات تفسیری، برخی یادکردهای قرآنی اشاره‌ای به جبرئیل دانسته شده است، مانند تعابیر روح، روح القدس، شدید القُویٰ، ذو مره و نیز رسول (نک : بقره/۸۷/۲، جم؛ شعرا/۱۹۳/۲۶؛ نجم/۵/۵۳) که القابی برای جبرئیل دانسته شده‌اند (نک : مجاهد، ۶۳۷/۲؛ صنعانی، *تفسیر*...، ۳۸۸/۲؛ احمد بن حنبل، *الرد*...، ۲۶؛ طبری، *تفسیر*، ۴۰۴/۱، ۴۲/۲۷؛ طوسی، همان، ۴۲۲/۹؛ بغوی، ۳۹۸/۳، ۲۴۵/۴؛ میبدی، ۲۶۳/۱-۲۶۴؛ طبرسی، فضل، ۲۸۸/۹؛ فخر الدین، ۱۷۷/۳؛ قرطبی، ۳۶۳/۶، ۸۵/۱۷؛ ابن قیم، *روضة*...، ۱۹۳؛ ابن کثیر، ۴۸۱/۴؛ بیضاوی، ۴۲۰/۳، ۲۵۲/۵-۲۵۳؛ ثعالبی، ۸۷/۱).

در بیشتر روایاتی که دربارهٔ مباحث مربوط به آیات قرآنیِ قصص حضرت مریم و ولادت حضرت مسیح (ع) آمده است، در دو موضوع نام جبرئیل به چشم می‌خورد: آنچه به حضرت مریم و ولادت حضرت عیسی(ع) مربوط می‌شود؛ موضوع توانایی ـ بخشیدن پروردگار به آن حضرت برای ایفای رسالت الٰهی خویش. غالباً برآن‌اند که بیان *قرآن* کریم در آیات ۱۷-۲۱ سورهٔ مریم (۱۹)، مبنی بر ارسال «روح» در صورت آدمی نزد مریم به عنوان «رسول» و دعوت او به آرامش و بشارت ولادت فرزندی پاک، درواقع بیان حضور جبرئیل است (بخاری، *خلق*...، ۲۲؛ طبری، *تفسیر*، ۶۰/۱۶؛ طوسی، *التبیان*، ۲۸۶/۱۰؛ ابن حزم، ۱۰/۱؛ طبرسی، فضل، ۱۱۴/۱۰؛ قرطبی، ۹۱/۱۱؛ ابن کثیر، ۱۱۶/۳). بر پایهٔ همین دست روایات، یادکرد «رسول» به عنوان نامی برای جبرئیل همچنین در آیهٔ ۱۹ سورهٔ تکویر (۱۸) با همراهی صفت کریم تکرار شده است (صنعانی، همان، ۳۵۲/۳؛ طبری، همان، ۷۹/۳۰؛ قرطبی، ۲۷۴/۱۸؛ بیضاوی، ۴۵۸/۵).

اما دربارهٔ واژهٔ روح در کاربردهای قرآنی بحث قدری پیچیده است؛ ترکیب «روح القدس» در مواردی که در آیات مربوط به قصص حضرت عیسی(ع) آمده است (بقره/۸۷/۲، ۲۵۳؛ مائده/ ۱۱۰/۵). عملاً در باور کسانی چون قتاده، سدی و ضحاک ـــ از مفسران متقدم ـــ فرشتهٔ مقرب الٰهی و جبرئیل است و چنین مضمونی از پیامبر اسلام (ص) نیز نقل شده است (طبری، همان، ۴۰۴/۱-۴۰۵، ۲/۳؛ نیز نک : مفید، *تصحیح*...، ۸؛ ابن عبد البر، *التمهید*، ۲۸۴). در سده‌های بعد، فارغ از دیدگاههای تفسیری، در بیان نامهای جبرئیل، به صراحت «روح القدس» نیز دیده می‌شود (مثلاً ابن منظور، ذیل قدس، نیز جبرل). ترکیب روح الامین هم نمونهٔ قرآنی دیگری است (شعرا/۱۹۳/۲۶) از ترکیب روح با صفتی ویژه در روایات تفسیری که نامی برای جبرئیل تلقی شده است. در آیهٔ یاد شده که با همسویی با آیات پیش و پس از آن، به صراحت به نزول آیات الٰهی از سوی پروردگار اشاره دارد، فرستادهٔ وحی، فرشتهٔ مقرب او معرفی شده است (مثلاً نک : *الاختصاص*، ۱۱۵؛ کراجکی، ۱۱۱؛ طوسی، *الغیبة*، ۴۵۴؛ بیهقی،

1. «Le kitāb ...»

İSAM DM.
258040
دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد هفدهم، تهران، ۱۳۹۵

GEZIK, Erdal. How Angel Gabriel became our brother of the hereafter (On the question of Ismaili influence on Alevism). *British Journal of Middle Eastern Studies*, 43 i (2016) pp. 56-70.

Cebrail
030187

30 Nisan 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Cebrail
930187




| الموضوع | الصفحة |
|---|---|
| التنوين مما يعتريه طريقا الحذف أو التحريك.......... | ٩٩ |
| **المبحث الرابع** : القراءات الوارد فيها التقاء ساكنين على غير الحد عند نحاة البصرة وفيه: | ١٠٢ |
| تسهيل الهمزة قبل الساكن يورث التقاءً للساكنين مقبولاً لدى القراء مرفوضاً لدى النحاة. | ١٠٢ |
| الجمع بين همزتين غير محبذ ، ويلجأ إلى التسهيل فراراً من ذلك الجمع.......... | ١٠٢ |
| حكم الإدغام الكبير قبولاً ورفضاً بين القراء والنحاة.......... | ١٠٣ |
| القول بالإخفاء أو الاختلاس طريق لقبول القراءة لا على جهة قبول التقاء الساكنين على غير الحد.......... | ١٠٤ |
| حكم التقاء ثلاثة سواكن أحدها عارض بسبب الوقف.......... | ١٠٦ |
| إجراء الوقف مجرى الوصل ، وأثره في الجمع بين الساكنين.......... | ١٠٧ |
| اجتهاد في تحديد ضابط التقاء الساكنين عند الكوفيين.......... | ١٠٨ |
| تاءات البزى : عشرة مواضع منها جاءت على التقاء الساكنين على غير الحد.......... | ١٠٩ |
| **الخلاصة**.......... | ١١١ |
| **الخاتمة**.......... | ١١٢ |
| **المصادر والمراجع**.......... | ١١٤ |
| **فهرس الموضوعات**.......... | ١١٩ |


D4361
Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

30 Kasım 2018



مجلة معهد الامام الشاطبي للدراسات القرانية، مج. ٦، ع. ١٢، ١٤٣٢/ ٢٠١١ جدة



# روح القدس عليه السلام في ضوء القرآن العظيم

## دراسة موضوعية

د. مروان بن أحمد الحمدان

أستاذ علوم الكتاب والسنة المساعد بالمعهد العالي للأمر بالمعروف والنهي عن المنكر بجامعة أم القرى

- من مواليد مدينة عمّان بالأردن عام ١٣٨١هـ .
- تخرج في كلية الدعوة وأصول الدين، قسم الكتاب والسنة، بجامعة أم القرى، عام ١٤٠٥هـ.
- نال شهادة الماجستير من قسم الكتاب والسنة ، كلية الدعوة وأصول الدين ، بجامعة أم القرى عام ١٤١٢هـ بأطروحته: " **الآيات والأحاديث والآثار الواردة في أهل الفترة ومن في حكمهم في ضوء الكتاب والسنة** "، كما نال شهادة الدكتوراه منها أيضا عام ١٤١٩هـ بأطروحته: "**التوبة أصولها وخصائصها وآثارها في ضوء القرآن العظيم: دراسة موضوعية**".
- من بحوثه المحكمة المنشورة: "**أسماء المدينة النبوية المشرفة في ضوء الكتاب والسنة**".
- البريد الشبكي: dr.marwan.55@gmail.com

١٢١-٢١٤

- CEBRÂİL (A.S)
- CİBRÎL -

297.92
SUY.H

Hasâisü'l-Kübrâ-I, 200 vd.

---

Cebrail (a.s)

بهجت ، أحمد . (١٣١)
سفير الله إلى أنبيائه : جبريل
عليه السلام / أحمد بهجت . ـــ القاهرة
: المختار الإسلامى للنشر والتوزيع
والتصدير ، [1998]
103 ص ؛ 17 سم .
تدمك 8 - 148 - 220 - 977
ب ٨٢١٧٣ ـــ ٨٢١٧٤ ٢٤٣

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
03 EKİM 2006

---

Cibril

03 EKİM 1990

Sarı Abdullah Efendi
Risale fi isbâti't-teres-
sül, Haşim Paşa 71/3
Süleymaniye Ktp

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

---

Cebrâîl
Râzî, Tefsîr, XXI, 196.

---

Cebrail (Cibrîl) As.

Hemedânî, Tesbit, I, 47, 101, 102 vd.

---

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
17 ARALIK 1993

۱۳۴۰ CEBRÂİL - ZERDÜŞT

جهانيان، اردشير." تنهادرپرتووهومن (خردوانديشه پاک) مى توان ازدلباختگان درگاه اهورامزداگرديد". هوخت ، سال ۳۴، ش ۵( مرداد ۱۳۶۲): ص ۱-۲۰.

مقايسه عقيده دين زرتشت باديگرادیان درموردجبرئيل .

---

Cibrîl

Bakillânî, el-Beyan, 101

4. BAK. B.

---

Cebrail, KLM

Alusi, Ruhu'l-Meânî, XIX, 123

DİA Ktp 297-211 ALU-R

---

Cebrâîl (rûhu'l-emîn)
Râzî, Tefsîr, XXIV, 166.

---

Cebrâîl

Râzî, Tefsîr, III, 194-

---

Cebrâîl (شديد القوى)
Râzî, Tefsîr, XXVIII, 284-

---

Cebrâîl

Râzî, Tefsîr, II, 162-

# G

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

29 Eylül 2015
Cebrail (030187)

## Gabriel

**Gabriel** (Ar. Jibrīl, as in the Cairo Qur'ān, or Jabrā'īl; from Hebr. Gabrī'ēl, probably through Christian Palestinian Aramaic Gabrīl) appears in two passages of the Qur'ān (Q 2:97–98; 66:4). In Islamic tradition he is an angel closely associated with the prophet Muḥammad.

### 1. Gabriel in the Qur'ān

While the Qur'ān does not explicitly call Gabriel an angel, in *al-Baqara* (2:97–8) it does make him the agent of divine revelation, in accord with Jewish and Christian tradition. Gabriel plays the role of heavenly messenger in Daniel (8:16; 9:21), interpreting Daniel's vision and revealing prophecies to him. In Luke, Gabriel first announces the birth of John to Zechariah in the Temple (1:19) and then the birth of Jesus to Mary in Nazareth (1:26). He also plays the role of messenger in post-Biblical Jewish texts such as 2 Enoch (21, 24) and in early Christian thought generally. In his *Homily on the Nativity*, the Syriac Christian Jacob of Serugh (d. 521) declares that, because of Christ, the serpent is silent but Gabriel speaks.

*Al-Taḥrīm* (Q 66:4) alludes to a second role of Gabriel. Here the Qur'ān warns two unnamed people not to oppose the Prophet because God is his master, while "Gabriel, the righteous believers, and the angels are [God's] assistants." Gabriel is thus presented as a protector of the Prophet, a notion in accord with New Testament passages in which angels minister to Jesus (Mark 1:13; Matthew 4:11) and save Peter from his persecutors (Acts 5:19).

### 2. Gabriel in Islamic tradition

#### 2.1 *Gabriel's appearance*

Islamic traditions relate that Gabriel is of immense size and has six hundred wings (al-Bukhārī, *Ṣaḥīḥ*, 59, *K. Bad' al-khalq*, *bāb* 7, Beirut 1422/2001, 577; Muslim, *Ṣaḥīḥ*, *K. al-Īmān*, *bāb* 76, Beirut 1421/2000, 3:4), but most traditions (e.g., al-Bukhārī, *Ṣaḥīḥ*, 59, *K. Bad' al-khalq*, *bāb* 7, Beirut 1422/2001, 580) relate that the Prophet saw Gabriel as he truly is only in his visions on Mt. Ḥirā' (often connected to Q 53:6–18, although the Qur'ān seems to describe divine theophanies here). On other occasions, Gabriel appeared to the Prophet, and to others, as

ss. 126–129

THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM THREE, 2014/3, 2014 LEIDEN.
İSAM DN. 230763.

Cibrîl (Cebrail)

Gazzali, el-iktisad, 136

411-GAZ-i

Cebrâil
Râzi, Tefsir, XXX, 44.

KLM

Cebrail,

Alusi, Ruhu'l-Meâni, XIX, 120
DİA Ktp 297-211 ALU-R

Hz. Cebrâil (a.s)

İbn Hazm, el-Fasl, c. III, s. 348

297.47
HAZ.F

Cebrâil (melek)

K. Abdulcebbar, Müteşabih, s. 632

- CİBRÎL -
- CEBRAİL -

297.92
~~HAT.B~~
Ami-B

Beucetül-Mehafil - I, 66

Hz. Cibrîl (a.s.)

27 AĞUSTOS 1992

Halimi, el-Minhac, III - 9, 50, 144

Hz. Cibrîl

27 AĞUSTOS 1992

Halimi, el-Minhac, I - 439, 536

Cebrâil (sıfatları)

Râzi, Tefsir, II, 226.

Cebrail,

KLM

Alusi, Ruhu'l-Meâni, XXVII, 47-50
DİA Ktp. 297-211 ALU. R

Cibrîl

27 AĞUSTOS 1992

Beyhaki, Delâil, c. 7, İndeks, s. 143

Hz. Cebrâil (a.s)

27 AĞUSTOS 1992

İbn Hazm, el-Fasl, c. V, s. 304

Cebrail, KLM

Alusi, Ruhu'l-Meânî, XXX, 59-60

DİA Ktp. 297-211 ALU-R

---

poşet DİT(KLM)

Cebrail (Aleyhisselâm)

Taha, 20/96.

---

4.2.4.

Cebrâil (a.s)

27 AGUSTOS 1992

İbn Hazm, el-Fasl, c.II, s. 149, 209, 354 355

---

KLM

Cebrail

Alusi, Ruhu'l-Meânî, I, 331-333

DİA Ktp 297-211

ALU-R

---

CEBRAİL

المغني

جبريل

4/229, 5/113, 7/79, 177, 15/16, 16/105, 169, 234, 242, 243, 393, 422, 17/49, 61, 118, 20/1, 81, 139, 140, 146, 336 20/2, 19 ~~4/229~~

297-47 KADİM

~~464~~

---

Hz. Cebrâil (a.s.)

27 AGUSTOS 1992

İbn Hazm, el-Fasl, c.IV, s. 201, 202

---

Cebrail

Tecrid, 2/462, 9/126 7/319, 9/28, 11/231

---

Cebrail Suhreverdi, ?

107 GRAHAM, Terry. The rustling of Gabriel's wings: the angelic symbolism in Suhrawardi's visionary recitals. *Sufi*, 60 (2003-2004) pp.26-34.

08 TEM 2007

---

220261 YEZİDİLER ANKA CEBRAİL MELEK

911. [FAUTH, Wolfgang. "Die persiche Simurġ und der Gabriel-Melek Ṭāʿūs der Jeziden". *Persica* 12 (1987) pp. 123-148. [Le Simorgh persan et le Gabriel/Melek Ta'us des Yezidis]]

31 MART 1994

---

Cebrail,

Alusi, Ruhu'l-Meânî, XXII, 41

DİA Ktp 297-211 ALU-R

---

Cebrâil

Halimi, Minhâc, II, 35, 67, 144, 153, 423, 447

45 HALİM

CEBRAİL

~~Pltch~~

اعلام الموقعين

ابن القيم

٤ / ٢٧٠

- Peye görmesi (aslî suretinde)

734

CİBRİL HADİSİ

512 A7N.U

Aynî, Umde c. I. s. 323

Cebrail

27 AGUSTOS 1997

Tarihul. Medinetül-Münevvere, 5-7-

D.B. 3977-1

Toplumsal Tarih, sa 126, 1994 İstanbul, s. 12-19

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

D 817

20 TEMMUZ 2004



# Batı resminde ve İslam minyatürlerinde Cebrail

Batı resminde, baş melek Gabriel, elinde taşıdığı zambak dalıyla resimlerde açıkça vurgulanırken, Cebrail figürünün İslam minyatür örneklerindeki çoklu melek betimlemeleri arasında tanınması oldukça zor görünmektedir. Ancak Cebrail figürlerinde, ellerin duruşu, figürün peygambere en yakın pozisyonda resmedilmesi ve birçok örnekte kaftanının ve kanatlarının turuncunun tonlarını taşıması da ilginç ortak özellikler olarak göze çarpmaktadır.

*Taluy Özdeş* ›

Batı resminde dinsel içerikli betimlemeler önemli bir yer tutmaktadır. Özellikle Hıristiyan sanatçılar Tevrat ve İncil'deki sahneleri, çağın ruhuna uygun üslup özellikleriyle sergilemeye özen göstermişlerdir. İlk melek betimlemesi ikinci yüzyıla tarihlenen St. Priscilla mezarlığındaki "Müjde" konulu freskoda bulunmaktadır. Aynı konulu, üçüncü yüzyıla ait bir başka resim, St. Pietro ve St. Marcellinus mezarlığında yer alır; her iki betimlemede de Baş Melek Gabriel (Cebrail) insan biçiminde olup üzerinde bir tünik ile bir pallium[1] taşımaktadır. Erken Hıristiyan sanatında, İsa'dan önceki mitolojik varlıkları anımsatacağı kaygısıyla melek betimlemelerinden kaçınıldığı düşünülmektedir. Kral Konstantin çağından başlayarak Hıristiyan sanatında, kanatlı, yeni bir melek betimlemesi yer almaya başlar. Her ikisi de dördüncü yüzyıla tarihlenen en eski kanatlı melekler, Kartaca'daki alçak kabartmalarda ve Londra British Museum'daki Baş Melek Mikail'in fildişine işlenen betimlemesinde görülür. St. Apollinare Nuovo ve St. Vitale kiliselerindeki melek betimlemelerinde de görülebileceği gibi, beşinci ve özellikle altıncı yüzyıldan itibaren melekler, Hıristiyan sanatında önemli bir rol oynamaya başlamışlardır.[2]

Aynı yaklaşım, farklı bir bakış açısıyla, Türk-İslam elyazmalarına eşlik eden minyatürler için de söz konusudur. Her iki dinde de, genellikle doğum veya ölüm sahneleri, yaptığı savaşlar ve gerçekleştirdiği mucizeler gibi, peygamberlerin ve kutsal kişiliklerin yaşamları anlatılmıştır. Her iki dine ait yapıtlarda, meleklerin dinsel

**Resim 1. Francesco Botticini, "Üç Baş Melek ve Tobias", yak. 1470, ahşap üzerine tempera, 153x154 cm.**
Uffizi Galerisi, Floransa

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN
03 EKİM 1994

## * جبريل * CEBRAİL

* صفتُهُ عليهِ السّلامُ —
مس – ك ١ ح ٢٧١ و ٢٨٠ – ٢٨٦
حم – أول ص ٣٩٥ و ٣٩٨ و ٤٠٧ و ٤١٢ و ٤٦٠ ؛ سادس ص ١٢٠
ط – ح ٢٧٨ و ٣٢٣

* أوّلُ مُلاقاتِهِ للنبيِّ ص —
انظر : محمّد

* كانَ يلقَى النبيَّ ص كلَّ ليلةٍ فى رمضانَ —
بخ – ك ٣٠ ب ٧
نس – ك ٢٢ ب ٢
حم – أول ص ٢٨٨ و ٣٦٣

* إقبالُهُ فى زيِّ أعرابيٍّ ومساءلتُهُ للنبيِّ ص عن الإسلامِ والإيمانِ
بخ – ك ٢ ب ٣٧
مس – ك ١ ح ١ و ٥ و ٧
تر – ك ٣٨ ب ٤
نس – ك ٤٧ ب ٥ و ٦
مج – المقدمة ب ٩
حم – أول ص ٢٧ و ٢٨ و ٥٢ و ٥٣ و ٣١٩ ؛ ثان ص ١٠٧ و ٤٢٦ ؛ رابع ص ١٢٩ و ١٦٤

* رُؤيةُ النبيِّ ص لهُ على صورتِهِ
بخ – ك ٥٩ ب ٧ ؛ ك ٦٥ سورة ٥٣ ب ١ قا
مس – ك ١ ح ٢٨٠ – ٢٨٧
تر – ك ٤٤ سورة ٦ ح ٥ وسورة ٥٣ ح ٢ و ٣ و ٨
حم – أول ص ٣٢٢ قا ٣٩٤ و ٣٩٥ و ٤٠٧ و ٤١٨ قا خامس ص ٣٣٢ ؛ سادس ص ٢٣٦ و ٢٤١
ط – ح ٣٥٨ و ١٤٠٨

* كانَ أشبهَ النّاسِ بدِحيةَ الكلبيِّ —
عد – ج ٣ ق ٢ ص ٥٢ ؛ ج ٤ ق ١ ص ١٨٤ ؛ ج ٨ ص ٤٦
حم – ثان ص ١٠٧ ؛ ثالث ص ٣٣٤ ؛ سادس ص ٩٤ و ١٤١ و ١٤٦
قد – ص ٣٦٠

* رُؤيةُ عائشةَ إيّاهُ —
عد – ج ٨ ص ٤٤ و ٤٦

* سلامُهُ الى عائشةَ —
انظر : عائشة

* كانَ يُناجي النبيَّ ص وعندَهُ العبّاسُ وابنُهُ —
حم – أول ص ٢٩٣ و ٣١٢ ؛ رابع ص ١٧

* تحدُّثُهُ للنبيِّ ص وهوَ على برذَونٍ
حم – سادس ص ١٤٨ و ١٥٢

* تعليمُهُ النبيَّ ص الوضوءَ —
حم – رابع ص ١٦١
هش – ص ١٥٨

* دلالتُهُ النبيَّ ص على نيّاتِ العدوِّ —
مس – ك ٦ ح ٣٠٨

* تعليمُهُ النبيَّ ص أوقاتَ الصّلاةِ
انظر : الصّلاة

* مُدارستُهُ للنبيِّ ص القرآنَ فى شهرِ رمضانَ —
انظر : القرآن

* مُعالجتُهُ مرضَ النبيِّ ص ببعضِ صِيَغٍ —
انظر : محمّد

* فتحُهُ صدرَ النبيِّ ص وغسلُهُ بماءِ زمزمَ —
انظر : محمّد

* عُروجُهُ بالنبيِّ ص الى السّماءِ —
انظر : الإسراء

* تعليمُهُ النبيَّ ص الأحرفَ السبعةَ —
نس – ك ١١ ب ٣٧
وانظر أيضاً : القرآن

* تسليتُهُ النبيَّ ص عمّا أصابَهُ عقِبَ عرضِ نفسِهِ على ابنِ عبدِ ياليلَ —
بخ – ك ٥٩ ب ٧
مس – ك ٣٢ ح ١١١

* إغبابُ زيارتِهِ للنبيِّ ص —
مس – ك ٣٢ ح ١١٤ و ١١٥

* قولُ اليهودِ إنّهُ عدوُّهم من الملائكةِ —
بخ – ك ٦٠ ب ١
عد – ج ١ ق ١ ص ١١٦
حم – أول ص ٢٧٤ و ٢٧٨
ط – ح ٢٧٣١

* معنَى اسمِهِ عليهِ السّلامُ —
بخ – ك ٦٥ سورة ٢ ب ٦

* لم يُبعثْ نبيٌّ قطُّ إلّا هوَ وليُّهُ
عد – ج ١ ق ١ ص ١١٦

WENSINCK AREN JEAN, MİFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE,
Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss .109-110 DİA DM NO: 04160.
KISALTMALAR:
بخ= صحيح البخاري، مس= صحيح مسلم، بد= سنن أبي داود، تر= سنن الترمذي، نس= سنن النسائي، مج= سنن ابن ماجه، مى= سنن الدارمي، ما= موطأ مالك، ز= مسند زيد بن علي، عد= طبقات ابن سعد، حم= مسند احمد بن حنبل، ط= مسند الطيالسي، هش= سيرة ابن هشام، قد= مغازي الواقدي

NEW CATHOLIC ENCYCLOPEDIA, Washington 1967(Reprint 1981). vol: I, s. 501 DN: 42267



certain "Frater Franciscus"—probably *Francis of Marchia or *Francis of Meyronnes. (*See* SCOTISM.)

**Bibliography:** JOHN DUNS SCOTUS, *Opera Omnia*, ed. C. BALIĆ (Vatican City 1956) 4:15*–28*. J. ALFARO, "La Inmaculada Concepción en los escritos inéditos de un discipulo de Duns Escoto, Aufredo Gontier," Greg 36 (1955) 590–617.

[A. EMMEN]

## ANGEL OF THE LORD

A theophanic messenger of God, mentioned mainly in ancient texts of the Pentateuch and the Historical Books of the OT, distinct from, and posing a different problem than, the angels in general.

**Summary of Usage.** The Hebrew word *mal'āk* (messenger) may be used of human messengers (Gn 32.4), prophets as spokesmen for God ( 2 Chr 36.15–16; Ag 1.13), or God's superhuman envoys (Gn 19.1, 15), but its use in the phrase *mal'ak yahweh* or *'elohim* (the messenger of Yahweh or God) has a more specific meaning that has not yet been satisfactorily explained.

In a series of passages taken from the Yahwistic and Elohistic traditions that formed the nucleus of the Pentateuch and in other early texts, the messenger of the Lord is presented not as a created heavenly envoy, distinct from God, but as Yahweh or God Himself appearing to men in sensible form (Gn 16.7–13; 21.17–20; 22.11–18; 31.11–13; Ex 3.2–6; 14.19, 24–25; Nm 22.22–35; Jgs 2.1–5; see also Jos 5.13–15; Jgs 6.11–24; 13.3–23). In a few other passages (Ex 23.20–23; Gn 24.7; 48.16; Nm 20.16) a messenger sent by God and apparently distinct from Him performs salvation acts that are attributed directly to God in other places. Other passages ascribe vengeance to messengers from God, who are distinct from Him, e.g., the Exterminator of Ex 12.23 (see also 1 Cor 10.10; Heb 11.28; Gn 19.1; 2 Sm 24.16; 4 Kgs 19.35). Finally, David is compared to an angel of the Lord because of his goodness and wisdom (1 Sm 29.9; 2 Sm 14.17–20; 19.27). The burden of the rest of this article is to determine what the angel of the Lord in the first series of texts means.

**Original Meaning of Yahweh's Messenger.** There are three theories that attempt to explain the origin and meaning of these texts: (1) the messenger is one who represents the Lord, transmits His will and promises, and therefore speaks God's message in the first person singular as the Prophets also did (Jerome and Augustine); (2) the messenger is the ubiquitous God Himself who directly but in human form manifests His message to His chosen leaders (see the Greek and early Latin Fathers of the Church who affirmed that the angel was a manifestation of the Logos); and (3) the messenger is the result of later theological speculation and was interpolated into ancient, naïve traditions relating direct, nonmediated appearances of God to man that clashed with the evolved concept of God's transcendence and the angels' mediation.

Each theory has valid elements that aid in the understanding of the individual passages, but none of them solves all the problems concerned with the messenger of the Lord wherever it appears. The third theory mentioned above (interpolation) cannot by itself explain why vestiges of the direct intervention of God were left uninterpolated. But it does explain how postexilic Jews must have understood the passages into which they did not interpolate the angel of the Lord. The first theory mentioned above (representation) is certainly Biblical and is to be applied to the second and third series of texts cited above, and perhaps even to the fourth where David is praised as God's representative; but in the first series the messenger is certainly not distinct from God Himself.

The second theory mentioned above (identity) appears to offer more solutions than the other two, especially when one considers that the original meaning of *mal'āk* may not have been messenger but a sending or a message. Certainly in other ancient passages no mediation whatsoever is found when God communicates with His elect (Gn 12.1–3, *passim*). "The angel of the Lord is therefore a form in which Yahweh appears . . .. He is God himself in human form" [G. Von Rad, *Genesis*, tr. J. H. Marks (Philadelphia 1961) 188]. God appearing in human form then is a type of the Logos, Christ, who fulfills the directness and mediation of this mysterious "message" of Yahweh. In Mal 3.1 the messenger of the Lord and messenger of the covenant appear to be both Yahweh Himself and the messenger sent before Him.

In the NT (Lk 1.11; 2.9; Jn 5.4; Acts 5.19; etc.) the angel of the Lord is distinct from God, "sent from God" (Lk 1.26).

**Bibliography:** J. TOUZARD, DBSuppl 1:242–255. EncDictBibl 87–90. W. G. HEIDT, *Angelology of the Old Testament* (Washington 1949).

[T. L. FALLON]

## ANGELA OF FOLIGNO, BL.

Mystic; b. *c.* 1248, Foligno, Italy; d. Jan. 4, 1309. She married and lived a worldly and even sinful life until she was nearly 40 years of age. At this time she underwent a sudden conversion, the reason for which has remained unknown, and immediately afterward became a Franciscan tertiary. Her desire for an austere life of chastity, cloistered from the world, could not be fulfilled while her husband and children were alive, so, according to her own account, she prayed for their deaths, an extraordinary fact that can be explained only by the possibility that she had had some special revelation. Her prayer was heard, and soon a circle of disciples grouped around her. She is recorded to have had mystical graces, an account of which her Franciscan confessor caused her to dictate to him, and he translated her words into Latin. The book was later circulated as the *Book of Visions and Instructions*.

In a penetrating analysis Angela traces the "twenty steps of penitence" by which she was led to the threshold of the mystical life. She lays particular stress on the importance of self-knowledge, which is the first step leading to perfect penitence. Through this she was enlightened on the magnitude of her sins and she learned to pray with great ardor and love. She then received an entirely new understanding of the Our Father, the words of the prayer being explained to her in her heart, and she penetrated more deeply into the teaching of the Gospel. "And I began to have constantly," she wrote, "whether waking or sleeping, a divine sweetness in my soul."

After this she entered into the mystical life proper, which is described as a sequence of seven steps. Now Angela received revelations on the inner life of the divine Trinity, on the extension of the Incarnation in

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN 24 EYLÜL 1996

General Editor: Jane Dammen McAuliffe, **Encyclopaedia of the Qur'an,** volume two : E-I, Brill, Leiden-Boston, 2002. İsam demirbaş no: 87419

# G

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi

## Gabriel

The angelic being who "brings down" the qur'ānic revelation to the prophet Muḥammad's heart (q.v.; Q 2:97), Gabriel (Ar. Jibrīl, also Jabrā'īl; Heb. Gabrī'ēl) is named three times in the Qur'ān, Q 2:97, 98 (where Michael [q.v.], too, is mentioned), and Q 66:4. Commentators on the Qur'ān such as al-Ṭabarī (d. 310/923), al-Zamakhsharī (d. 538/1144) and al-Bayḍāwī (d. ca. 716/1316-7) identify Gabriel as the messenger who brings the revelation to Muḥammad, and understand the two visions of Muḥammad recorded in Q 53:1-18 to be the Prophet's sighting of Gabriel (Pedersen, Djabrā'īl, 636; see REVELATION AND INSPIRATION; ASCENSION). According to al-Ṭabarī, Gabriel (and Michael) are said to have purifed the belly and breast of Muḥammad; Gabriel is also reported by al-Ṭabarī to have taught Muḥammad to pray, to have guided Muḥammad on his ascension, and to have rebuked Muḥammad for his acknowledgment of al-Lāt, al-ʿUzza and Manāt (see SATANIC VERSES; see Pedersen, Djabrā'īl, 363 for the references in al-Ṭabarī).

As the Qur'ān is also said to have been brought down by "the trustworthy spirit" (Q 26:193), Gabriel is identified by qur'ānic exegetes with the spirit, an identification also understood by them as evidenced in the qur'ānic discussion of Mary (q.v.), in which "our [God's] spirit" that is sent to her (Q 21:91) assumes the likeness of a perfect man (Q 19:17). Gabriel is further identified by the commentators with the spirit who, together with "the angels," descends and ascends to God (Q 16:2; 70:4; 97:4). As such, the figure of Gabriel becomes a rich source of theological reflection not only on the content of revelation — the duties and beliefs of the faithful — but on the nature of cognition itself, including distinctions between reason, prophetic revelation, and mystical knowledge (see ANGEL; HOLY SPIRIT).

*Gabriel in ḥadīth and the "tales of the prophets"*

The theme of Gabriel as transmitter of fundamental qur'ānic beliefs, duties and values appears in many ḥadīths used as teaching stories in Muslim community life. One such ḥadīth has the future caliph ʿUmar b. al-Khaṭṭāb reporting how "a [strange] man in white clothes and very black hair" came to Muḥammad and his Companions (see COMPANIONS OF THE PROPHET), sat down with his knees pressed

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN 21 HAZİRAN 2003



against Muḥammad's, and questioned the Prophet on the meaning of Islam. In response, Muḥammad delineated the "pillars" of Islam. When the stranger left and Muḥammad was asked by his Companions to explain this odd event, he answered "He was Gabriel who came to... *teach you* your religion" (Bukhārī, *Ṣaḥīḥ*, i, 37; Tibrīzī, *Mishkāt*, i, 5; see FAITH).

Stories about Gabriel appear in those qur'ānic commentaries that include the folkloristic ("midrashic") interpretations of the Qur'ān as well as in the sense of classical literature known as the "tales of the prophets" *(qiṣaṣ al-anbiyā')*. In one representative narrative, Gabriel offers Abraham (q.v.) aid when he is cast by Nimrod (q.v.) into a fire (q.v.). Abraham's refusal of even Gabriel's help becomes an example of trust in God *(tawakkul)* and of an interiorized understanding of the unity and transcendence of God *(tawḥīd)* from the theological perspective that it would be "hidden associationism" to rely upon or be afraid of any created being.

*Gabriel in Islamic philosophy*

The meaning of Gabriel as agent of revelation is taken up by medieval Muslim philosophers in their discussions about the generation of the universe (see CREATION) and about human knowledge (including prophetic knowledge; see KNOWLEDGE AND LEARNING; REVELATION AND INSPIRATION). Ibn Sīnā (d. 428/1037), utilizing certain elements of pre-Islamic, particularly neo-Platonic, philosophy in his reflection on the relationship of "being and beings," conceived of the generation of the universe as an eternal procession of "angel intellects" from a primordial divine unity (God). The tenth, or active intellect, is identified with Gabriel/Holy Spirit. Not only is "being" given by God through the active intellect, but the individual cognition process, including the prophet's knowledge (though in a complete form) is viewed as a bestowal of divine illumination on the human soul.

*Gabriel in theosophical Ṣūfism*

The "philosopher-mystics" of Islam, such as Muḥyī l-Dīn Ibn al-ʿArabī (d. 638/1240) and Shihāb al-Dīn Yaḥyā b. Ḥabash al-Suhrawardī (d. 578/1191) utilize the qur'ānic Gabriel-as-agency-of-revelation in their mystical theologies to identify particular stages and states in the path to integration of the self and unity with God. Ibn al-ʿArabī (as does Rūmī) uses Gabriel-narratives that emphasize the qur'ānic theme that human beings have the potential for knowledge — and hence ontological status — that the angels do not have. Suhrawardī, utilizing both pre-Islamic Greek and Iranian imagery in his school of "oriental wisdom," emphasizes the soteriological role of Gabriel as the one who illuminates the soul to its condition of forgetfulness and entanglement in the world of matter.

Gisela Webb

Bibliography

Primary: Bukhārī, *Ṣaḥīḥ;* Kisā'ī, *Qiṣaṣ;* Suhrawardī, Shihāb al-Dīn Yaḥyā b. Ḥabash, *Oeuvres et mystiques* (*Opera metaphysica et mystica* i, ii), ed. H. Corbin, Teheran-Paris 1976; id., *Oeuvres philosophiques et mystiques,* ed. H. Corbon, 3 vols., Teheran/Paris 1976 (note: vol. iii, ed. with [P] intro. by S.H. Nasr); Thaʿlabī, *Qiṣaṣ;* al-Tibrīzī, Muḥammad b. ʿAbd Allāh al-Khaṭīb, *Mishkāt al-maṣābīḥ* [an abridgment and augmentation of al-Baghawī's *Maṣābīḥ al-sunna*], trans. J. Robson, 4 vols., Lahore 1963-5.
Secondary: M.R. Bawa Muhaiyaddeen, Another hadisz qudsi, in id., *al-Asmā'ul-husnā. The 99 beautiful names of Allah,* Philadelphia 1979, 138-47; W. Chittick, *The Sufi path of knowledge,* New York 1989; H. Corbin, *Avicenna and the visionary recital,* Irving, TX 1980; id., *Creative imagination in the Sufism of Ibn 'Arabi,* Princeton 1969; P. Eichler, *Die Dschinn, Teufel und Engel im Koran,* Inaugural-Dissertation, Leipzig 1928, 123-7; 129-30;

lendirmelerde bulunmaktadır. Böylece müminlerin daha uyanık olmalarını temin yoluna gitmekte, Müslümanların diğer din mensuplarıyla ilişkilerinin muhtevasını sağlam bir temele dayandırmalarının, muhataplarının özelliklerini iyi bilmelerinin gereğini vurgulamaktadır. Bu da farklı din mensuplarıyla ilişkilerde önemli bir prensip olarak hayata geçirilebilir. Zira dinler arası diyalog faaliyetlerinin arttığı günümüzde ilişkilerin sağlam temellere oturtulması, Kur'ân endeksli bir bakış açısına sahip olmaya, ilişkilerin Kur'ânî ölçülere dayandırılmasına bağlıdır. Dolayısıyla Kur'ân verilerinin ve tarihî uygulamaların güncellenip kullanılması ilişkilere daha sağlıklı bir ivme kazandıracağı kanaatindeyiz.

Araştırmada elde edilen verilerden anlıyoruz ki, Yahudiler dinî inançlar açısından İslâm'a daha yakın olmasına rağmen düşmanlık bakımından daha şiddetli oldukları kabul edilmiş, bütün Yahudiler de bir tutulmamıştır; yine Hıristiyanlık da teolojik açıdan Müslümanlığa daha çok tezat teşkil etmesine rağmen, Hıristiyanların belli bir kısmı ve bazı özellikleri sergileyenleri sevgice Müslümanlara en yakın olarak tespit edilmiştir. Dolayısıyla denilebilir ki, Kur'ân belirli inanç gruplarını, dinleri kesin bir tasnife tabi tutup buna göre dost veya düşman ilan etme amacı taşımamaktadır. Yakınlığın ve uzaklığın asıl gerekçesi, tarafların ahlâkî ve sosyal terbiyeleri sonucu oluşan ruh halleri, toplumsal karakterleri, ahlâkî davranışları ve muaşeret usulleridir. En azından bu âyet için söylenecek olursak burada söz konusu olan inançlar değil, gösterilen iyi niyet ve sergilenen davranışlardır. Dolayısıyla âyette zikredilen özellikleri taşıyan, Müslümanlara samimi, mütevazı ve nazik davranan Hıristiyanlarla yakınlık ve tabiî bir diyalog söz konusudur. Bu yakınlık, bütün Hıristiyanlara teşmil edilmemektedir, çünkü bütün Hıristiyanlar bir değillerdir. Ayrıca günümüzde farklı din mensupları arasındaki ilişkilerde belirleyici olan tek hareket noktası insanların dinî inançları değildir. Bu ilişkilerin siyasî, kültürel, sosyal ve stratejik boyutları da mevcuttur.

Öyle anlaşılıyor ki, Hz. İsa'nın gerçek öğütlerine bağlı kalan Hıristiyanlar, hak söze kulaklarını tıkamayarak, Müslüman olmasalar bile Müslümanlara düşmanca davranmayabilirler. Kur'ân da Allah'ın kullarının, Allah dostluğunda kardeş olmalarını istemektedir. Bunun için Hıristiyanların, artık İslâm düşmanlığına son verip, Hz. Peygamber devrindeki Hıristiyanlar gibi davranmaları, Müslümanların da onlara karşı hoşgörülü olmaları gerekir. Çünkü her iki dinin de ruhuna uygun olan budur. Bu yüzden mutlaka ortak değerlere dayalı bir ahlâk oluşturulmalı ve dini liderler, sorumsuzca yapılan, toplumu geren beyanlarda bulunmak yerine, taraftarlarının bu ahlâkî ilkelere uyması konusunda gerekli çabayı göstermelidirler. Taraflar arasında karşılıklı güven duygusunun sağlanması ve arttırılması konusunda herkes üzerine düşen görevi yapmalıdır.

D1777

EKEV AKADEMİ DERGİSİ Yıl: 12 Sayı: 34 (Kış 2008) Erzurum s. 93-98.

# MEVLÂNÂ'DA AKLIN SINIRI YA DA CEBRAİL VE SİDRETÜ'L- MÜNTEHA

Erdal BAYKAN (*)


*Özet*

*Bir dinin medeniyet oluşturma süreci, evrensel dili yakalayabilmiş/oluşturabilmiş bilge insanlarının varlığıyla doğru orantılıdır. Aynı şekilde medeniyet varlığını olduğu gibi dinamizmini de böylesi kimseler aracılığıyla sürdürmektedir. Bu anlamda Mevlânâ iyi bir örnektir. Çünkü o hem İslam medeniyetinin zengin ve çok yönlü kültürü içerisinde bir değer olarak varlığını sürdürmekte hem de İslam medeniyeti içerisinde yetişmiş bilgelerin farklı kültür ve din havzalarında en çok bilinenlerinden biri olmaya devam etmektedir.*

*Ancak bütün bunlara rağmen, ne yazık ki onun ve içerisinde olduğu düşünce biçiminin bir takım temel kavramlara ilişkin tanım ve tarifleri –bizce- yanlış anlaşılmaktadır. Akıl bu kavramlardan birisidir.*

*Bu çalışmada sûfi paradigma içerisinde oluşan akla yönelik eleştirilerin aslında ne anlam ifade ettiği, Mevlânâ örneğinden yola çıkılarak anlatılmış, Mevlânâ'nın ve elbette sûfi anlayışın, çağdaş düşünsel yönelimler için nasıl bir kaynak olabileceği vurgulanmıştır.*

*Anahtar Kelimeler: Mevlânâ, Sûfi Düşünce, Akıl.*

*The Limits of Reason in Mevlânâ or Gabriel and Sidretü'l- Münteha*

*Abstract*

*The making of civilization for a religion is very much dependent on the existence of Sages who developed a language of universality. By the same taken, it can be suggested that a given civilization owes its existence, as well as its dynamism and continuity, to such great personalities. Mevlânâ is a good example in that respect. Because Mevlânâ is one of the greatest men who have survived throughout the ages representing plurality and multiplicity of Islamic civilization he was born into and continue to be the one of the best known, if not the best known, sage in different cultural and religious territories.*

*But despite the degree of his popularity, the concepts, definitions and descriptions he used or he developed within the Sûfi paradigm he belongs to have been widely misunderstood as in the case of reason. The popular maxim about the concept of reason in sûfi thought try to make us believe that the reason in Sûfism is categorically negated and Mevlânâ represents no exception in that regard.*

*The purpose of this paper is to open to discussion this very maxim and suggest that the concept of reason in Mevlânâ as well as in Sûfi thought in general is not negated as popularly believed. Although it may seem to an ordinary mind a bit paradoxical, sûfi approach to reason, in fact, open up new horizons to reason by calling its limits into question. In other words, in Mevlânâ, and in Sûfism in general, reason is such an important concept that without its guidance Sûfi experience has no value on its own right.*

*The paper will also bring into attention that the Sûfi teaching and that of Mevlânâ may offer to the problems in contemporary thoughts.*

*Key words: Mevlânâ, Sûfi thought, Reason*


*) Unesco&Türkiye Cumhuriyeti Kültür ve Turizm Bakanlığı, Uluslararası Mevlânâ Kongresi (8-11 Mayıs 2007), İstanbul&Konya- Türkiye 2007)'inde sunularak tartışılan tebliğin yeniden okunarak düzenlenmiş halidir.

**)Yrd .Doç. Dr., YYÜ İlahiyat Fak. Felsefe ve Din Bilimleri Bölümü Öğr.Üyesi
(e-posta: erdalbaykan@hotmail.com)

29 OCAK 2010

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

25 EKİM 2009

Türkiye Diyanet Va

Fırat Üniversitesi
İLAHİYAT FAKÜLTESİ DERGİSİ 13:2 (2008), SS.227–245 (Elazığ).

# SEMAVİ DİNLERDE DÖRT BÜYÜK MELEK (CEBRAİL, MİKAİL, İSRAFİL, AZRAİL)

## The Four Major Angles in The Heavenly Religions (Gabriel, Michael, Saraphiel, Azrael)

Dr. Murat SERDAR
Erciyes Üniversitesi İlahiyat Fakültesi

**Summary:** In the Islamic terminology Islam, Judaism and Christianity are named with "The Celestial Religions". In these religions the belief in angels is a common subject of the faith. There are many passages that build the angelic beliefs in their sacred texts. Exist of the Angels and their natures, types, classes and names are discussed in of their angelogies. The Major angels announced their names have been seen in every one of them. There are some similar creeds and knowledges about these angels among these religions. But also there are some different and contrary creeds among them. The Muslims believe in that Gabriel, Michael, Saraphiel, Azrael are four major angels. Gabriel and Michael mentioned with these names in The Koran and Torah and The Bibles. Azrael is not mentioned in the sacred books with this name. He is mentioned as "The Angel of Death" only. Also Seraphiel isn't mentioned in the sacred books. But he talked about himself in the jew's apokrative books and Prophet Muhammed's hadiths. The beliefs of religions about their works or duties and characteristics sometimes are smilar and somtimes are different. When we compare Islam's angelic creeds with the other's, we can say that Judaism and Christianity have got some opposite beliefs. Also we can say that there are some Marks demonstrate the Judaic effects on some of Muslim's angelic accepts. From the Kalamic perspective applying to Koran is necessary for distinguishing between right and wrong beliefs about the major angels.

**Key Words:** Angel, the major angels, archangels, Gabriel, Michael, Saraphiel, Azrael, angelogy

## GİRİŞ

Allah tarafından gönderilen ilahi dinlerin hepsi, meleklerin varlığını kabul eder ve bunu iman akidesi olarak sayarlar. Günümüzde Yahudi ve Hıristiyan teolojilerinde melekler, "*Angeloji*" olarak ifade edilen bilim

D1525

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN
20 TEMMUZ 2004

# Nâmûs/Nomos Cebrâil mi Tevrat mı?: "Bed'ü'l-vahy" hadisindeki Nâmûs kavramı üzerine*

Fuat AYDIN


I. "N-m-s"nin Sözlük Anlamı
II. İslâmî Literatürde *Nâmûs*
A. Hadis Literatüründe *Nâmûs*
B. Vahyin Başlangıcı Bağlamı Dışında *Nâmûs* Kelimesinin İslamî Literatürde Kullanımı
1. Tevrat/Şeriat
a. Musa'ya İndirilen/Musa'nın Getirdiği Kitap: Tevrat
b. Peygamberlerin Şeriatı
c. Din
2. Kanun/Yasa/Kuralları
III. Son Dönem Batı ve İslâm Literatüründe *Nâmûs*
IV. İslâm Öncesi Araplarda Melek İnancı
V. Ehl-i Kitâb'a Göre Cebrâil
VI. Yahudi Kutsal Kitaplarına Verilen İsimler
A. Yahudilerde
B. Hıristiyanlarda
1. Hıristiyan Araplarda Yahudi Kutsal Kitabı'nın İsmi
C. İslâm'da Yahudi Kutsal Kitabı'nın İsmi
VII. Sonuç


Bu çalışmanın hedefi, başta Buharî'nin *Sahîh*'i olmak üzere temel hadis ve siyer kaynaklarında geçen Varaka hadisindeki *nâmûs* kavramını, dinler tarihinin verileri ışığında yeniden anlamaya çalışmaktır.

Bu sebeple önce, konuyla alakalı olarak modern dönemde Batı'da ve İslâm dünyasında yapılan çalışmalar kısaca incelendikten sonra *nâmûs*un kökünü oluşturan *n-m-s*'nin sözlüklerde ve sonra da kelimenin diğer İslâmî metinlerde hangi anlamlarda kullanıldığı ortaya konulmaya çalışılacaktır. *Nâmûs*un hadisçiler tarafından genel olarak kabul edildiği şekliyle bir melek, "Cebrâil" anlamında geçmişte kullanılıp kullanılmadığını tespit etmek amacıyla İslâm öncesi Arapların

* Makaleyi okuyup gerekli düzeltmeleri yapan Mehmet Özşenel'e ve Almanca kaynakları tercüme eden İrfan İnce'ye müteşekkirim.


DÎVÂN İlmî Araştırmalar
sy. 15 (2003/2), s. 53-85

Cebrail
Ruhulkudüs

Mecelletu Külliyetü'd-Dirasati'l-İslamiyye ve'l-Arabiyye, sayı: 10, 1415/1995, Dubai, s. 125-179. D. 481

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

28 TEMMUZ 1997

# «الروح القدس» جبريل ـ عليه السلام في اليهودية والنصرانية والإسلام

## بحث في «مقارنة الأديان»

د. عمر وفيق الداعوق*

### المقدمة :

الحمد لله رب العالمين، وأفضل الصلاة وأتم التسليم على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. ثم أما بعد : فإن الاعتقاد بوجود الملائكة الكرام ركن من أركان الإيمان عند المسلمين، لقوله تعالى : ﴿آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه والمؤمنون كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله..﴾(١) الآية. ولقول النبي ـ ﷺ ـ حين سأله جبريل ـ عليه السلام ـ عن الإيمان : (أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله، واليوم الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره...)(٢) الحديث.

وهذه الكائنات قد فطرها الله تعالى على السمع والطاعة : ﴿لا

* مدرس العقيدة والأديان ـ كلية الدراسات الإسلامية والعربية ـ دبي.

١ ـ البقرة : ٢٨٥.

٢ ـ صحيح مسلم بشرح النووي ١/١٥٧

# خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفى صلى الله عليه وسلم

## تاريخ المدينة المنورة

لإمام عصره ووحيد دهره

الشيخ السمهودي المدني

رضي الله عنه وأرضاه وجعل الجنة متقلبه ومثواه

بتعليق

فضيلة الشيخ إبراهيم الفقيه

الطبعة الثانية
١٤٠٣ هـ ١٩٨٣ م

طبع على نفقة
جعفر الفقيه

حقوق الطبع محفوظة للناشر

İslâm Ansiklopedisi
5553
953.2
SEM.H

(الفصل الحادي عشر) فيما جعل علامة لتمييز جهتي الرأس والوجه الشريفين ومقام جبريل عليه السلام من الحجرة الشريفة وتأزيرها بالرخام وكسوتها وتخليقها ومعاليقها والمقصورة التي أديرت عليها والقبة المحاذية لها بأعلى سطح المسجد الشريف النبوي. أما علامة جهة الرأس الشريف فصندوق مصفح بالفضة بأصل الأسطوانة اللاصقة بحائز القبر الشريف عند نهاية الصفحة الغربية منه مما يلي القبلة في صف أسطوانة السرير وأسطوانة التوبة ولم أعلم ابتداء حدوثه وأقدم من ذكره ابن جبير في رحلته وكانت قبل الحريق الأول عام ثمانين وخمسمائة وقال أنه قبالة رأس النبي ﷺ (قلت) وفيه تجوز فقد ظهر لنا أنه في محاذاة الجدار الداخل القبلي واللحد الشريف إلى الجدار المذكور كما سيأتي والأصل في ذلك ما روى جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه عن جده رضي الله عنهم أنه كان إذا جاء يسلم على النبي ﷺ وقف عند الأسطوانة التي تلي الروضة أي وهي المتقدمة ثم يقول ههنا رأس رسول الله ﷺ والمراد منه ما قدمناه وكان فوق هذا الصندوق قائم من خشب يحيط بما ظهر من الأسطوانة الى رأس أعلى رخام الحجرة مختم مصفح بصفائح الفضة المموهة فلما احترق مع الصندوق في الحريق الثاني أعيد الصندوق وجعل موضع القائم رخام كتب فيه البسملة والصلاة والتسليم على النبي ﷺ وغير ذلك وأما علامة الوجه الشريف فمسمار[1] فضة بينه وبين ابتداء الصفحة الغربية نحو خمسة أذرع والمذكور في كلام الأقدمين التعليم بجعل القنديل على الرأس قال ابن أبي

(١) قوله فمسمار فضة الخ جعلوا الآن بدل المسمار المذكور الكوكب الدري وهو قطعة من الماس كبيرة في قدر بيضة الحمام موضوعة في لوح من الذهب مزين بأحجار نفيسة من الماس وياقوت وزمرد وغيره أرسله المرحوم السلطان أحمد خان العثماني سنة ١١١١ للمحراب العثماني وصورة الدكة للخوذنين.



مليكة إذا جعلت القنديل على رأسك والمرمرة المدخولة في جدار القبر قبالة وجهك استقبلت وجه النبي ﷺ قال المطري هذا كان قبل احتراق المسجد فإنه لم يكن يقابل الوجه الشريف غير قنديل واحد ولما جدد جعل هناك عدة قناديل وإنما العلامة اليوم مسمار فضة في رخامة حمراء ا هـ وهو يوهم حدوث التعليم بذلك بعد الحريق وليس كذلك فقد ذكر التعليم به ابن النجار فقال عقب نقل كلام ابن أبي مليكة وهناك اليوم علامة واضحة وهي مسمار فضة في حائط الحجرة إذا قابله الإنسان كان القنديل على رأسه فيقابل وجه النبي ﷺ وقال ابن الجوزي في مثير العزم الساكن وثم ما هو أوضح علما من القنديل وهو مسمار صفر في حائط الحجرة إذا حاذاه القائم كان القنديل فوق رأسه وكذا قال ابن جبير في رحلته وكل هؤلاء كانوا قبل الحريق واقتضى كلام الغزالي أن الواقف تحت القنديل يكون بينه وبين السارية التي عند رأس القبر عند زاويته الغربية وهي أسطوان الصندوق نحو أربعة أذرع فهو قريب مما سبق في محل المسمار المذكور وقال الأقشهري انه سقط سنة عشرين وسبعمائة ولم يرد إلى موضعه إلا في رجب عام أربع وعشرين وسبعمائة (قلت) وقد أخرج في زماننا عند ترخيم الحجرة الأول وأعيد إلى محله مع مسمار في أول الصفحة القبلية ومسمارين آخرين في طرف الصفحة الغربية أحدثها متولي العمارة ابتداعا منه ثم أزال الحريق الحادث في زماننا ذلك كله ثم أعيد المسمار المذكور فقط إلى محله في الترخيم المتجدد بعد حريق زماننا وفي كلام يحيى ما يوهم أن محل الوجه الشريف بقرب الأسطوانة المتوسطة جدار الحائز وبينها وبين المسمار المذكور نحو ثلاثة أذرع. مشاهدة الحجرة من داخلها قاضية برد ذلك وتشبيك باب المقصورة القبلي الذي أحدثه متولي العمارة ضيق قد يمنع من مشاهدة المسمار إلا بتأمل يشغل القلب فإنه في مقابلة الصرعة الثانية منه مما يلي المشرق فمن حاذاها كان محاذيا للمسمار المذكور وهو مموه بالذهب ثم ان المقر الشجاعي شاهين الجمالي أبدل الباب المذكور بشباك نحاس فاتضح به شهود المسمار المذكور لمن أراده وأما مقام جبريل عليه السلام فعند مربعة القبر كما سبق فيها وكان هناك مسمار فضة في منحرف المربعة إلى الزاوية الشمالية من حائز الحجرة

MECELLETU'L-EZHER, C. 54,
(sayı 8), s.1082-1085, 1982 KAHİRE.

# جبريل

دراسات قرآنية

## هل رآه أصحاب النبي ؟

جبريل عليه السلام أمين الوحي وسفير الله الى أنبيائه ورسله فى الأرض هو ملك من الملائكة الذين خلقهم الله لطاعته ـ لايعصون الله ما أمرهم ويفعلون ما يؤمرون ـ أجسام نورانية لهم قدرة التشكل بالاشكال الجميلة ولهذا كان الأنبياء والمرسلون صلوات الله وسلامه عليهم يرونهم ويناجونهم .

ولقد ذكر القرآن الكريم عن جبريل عليه السلام أنه ذى قوة وبأس وشدة يقول تعالى (إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى ، عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ) سورة النجم ٤ ، ٥ ، ٦ .

وقد ورد فى صحيح السنة أن جبريل ظهر للنبى صلى الله عليه وسلم فى بداية البعثة ناصية ما بين المشرق والمغرب وله ٦٠٠ جناح ـ وكان النبى صلى الله عليه وسلم بغار حراء قال تعالى ( وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ) سورة التكوير ٢٣ .

كما رآه مرة ثانية فى السماء ليلة المعراج على صورته الحقيقية عند سدرة المنتهى قال تعالى ( وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ) سورة النجم ١٣ ، ١٤ ، ١٥ .

ومن حديث أم المؤمنين عائشة رضى الله عنها فى صحيح الامام مسلم عن قوله تعالى ( وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ) ـ ( وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى ) قالت أنا أول هذه الأمة سأل عن ذلك رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال ( انما هو جبريل لم أره على صورته التى خلق عليها غير هاتين المرتين رأيته منهبطا من السماء سادا عظيم خلقه ما بين السماء الى الأرض ) .

* عداوة اليهود لجبريل عليه السلام :

ومما يثير العجب أن اليهود يعادونه على زعم انه ينزل بالعذاب والخسق ، والدمار ولئن كان الأمر كذلك فانما يكون على أعداء الله وبأمر قد قضاه الله فيهم وينعى القرآن

Cebrail

27 EKİM 2008

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN



مسائل مهم با آنان مشورت می‌کردند. حکومت عثمانی با مساعدت قبیلهٔ منتفق، در احساء استمرار یافت و والیان احساء (فاتح‌پاشا، علی‌پاشا، محمدپاشا و عمرپاشا) در آنجا اختیار کامل نداشتند (عوض، ج ۲، ص ۴۹).

در ۹۸۶، شریف حسن‌بن ابی‌نُمَیّ، حاکم مکه، با لشکری نزدیک به پنجاه هزار نفر به سوی نجد حرکت کرد و مِعْکال، حاکم ریاض، را محاصره کرد و در مدت طولانی توقف خود، در آنجا کشتار و چپاول نمود و عده‌ای از رؤسای آن ناحیه را اسیر و بعد از یک سال آزادشان کرد (عثمان‌بن عبدالله، ج ۱، ص ۲۳). احتمالاً، در میان اسیران عده‌ای از جبریان نیز بوده‌اند (د.اسلام، همانجا). شریف در ۹۸۹ نیز با لشکری انبوه به ناحیهٔ شرق نجد حمله، و شهرها و قلعه‌هایی را فتح کرد. در بازگشت، جماعتی از بدویانِ بنی‌خالد* به سپاه شریف حمله کردند، اما شکست خوردند (عثمان‌بن عبدالله، ج ۱، ص ۲۴ـ۲۵). واقعهٔ مزبور این احتمال را تقویت می‌کند که میان جبریان و بدویان بنوخالد، به ویژه تیره‌ای از آنها به نام جبور، مناسبات نزدیکی وجود داشته است (د. اسلام، همانجا).

در سال ۱۰۰۰، ترکان بر سرزمین احساء و نواحی اطراف آن استیلا یافتند و در آنجا قلعه‌هایی ساختند. فاتح‌پاشا، نایب دولت عثمانی در احساء شد و دولتِ آل‌اَجْوَدِ جبریِ عامری را در آن سرزمین منقرض کرد (عثمان‌بن عبدالله، ج ۱، ص ۲۵).

**منابع:** محمدبن عبدالرحمان سخاوی، *الضوء اللامع لاهل القرن التاسع*، قاهره: دارالکتاب الاسلامی، [بی‌تا.]؛ عثمان‌بن عبدالله، *عنوان المجد فی تاریخ نجد*، ریاض: مکتبة‌الریاض الحدیثة، [بی‌تا.]؛ عبدالعزیز عوض، *دراسات فی تاریخ الخلیج‌العربی الحدیث*، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ هری سنت جان بریجر فیلبی، *تاریخ نجد و دعوة الشیخ محمدبن عبدالوهاب (السلفیة)*، تعریب عمر دیسراوی، قاهره ۱۴۱۸/۱۹۹۷؛

*EI²*, suppl. fascs. 3-4, Leiden 1981, s.v. "Djabrids" (by G. Rentz).

/ علی جلیلی /

## جبریّه ← مُجبِرّه

**جبرئیل** (جبرائیل)، از فرشتگان مقرب الاهی و آورندهٔ وحی در اسلام. دربارهٔ جبرئیل در کتاب مقدّس و سنّتهای یهودی و مسیحی، در قرآن و حدیث و نیز در آثار فلسفی و عرفانی مسلمانان بحث شده است.

۱) **در سنّت یهودی ـ مسیحی.** واژهٔ عبری Gabrīel که در یونانی Gabriel تلفظ شده لفظاً به معنای «خدا قدیر است؟» یا مرد خدا و قهرمان خداست (< دانشنامهٔ معیار کتاب مقدّس>[1]، ذیل "Gabriel"؛ < دایرةالمعارف جدید کاتولیک>[2]، ذیل "Gabriel, Archangel"). نام جبرئیل چهار بار در عهدین آمده است: دوبار در کتاب دانیال نبی و دوبار در انجیل لوقا. در کتاب دانیال نبی (۸:۱۶)، جبرئیل به صورت انسانی بر دانیال پدیدار می‌شود تا معنای رؤیای او را برایش باز گوید. حضور جبرئیل با جذبه‌ای همراه است که دانیال از آن مدهوش می‌شود. در جای دیگری از کتاب دانیال نبی (۹:۲۱)، جبرئیل در زمانی که دانیال مشغول دعا و قربانی است، پروازکنان نزد وی می‌آید تا اسراری را برایش آشکار کند. در این موارد جبرئیل فرشته نامیده نشده، بلکه صرفاً موجودی آسمانی است که می‌توان او را پیام‌آور خدا دانست و حضورش با جذبه و قدرتی الاهی همراه است (نیز ← کتاب دانیال نبی، ۱۰:۱۸).

در انجیل لوقا، جبرئیل مژدهٔ تولد یحیی را برای زکریا (۱: ۱۹) و مژدهٔ تولد عیسی را برای مریم (۱:۲۱) می‌آورد. گفته شده است که حضور جبرئیل در عهد عتیق صرفاً نشان‌دهندهٔ قدرت الاهی است اما حضور او در عهد جدید، علاوه بر آن، آرامش بخش و اطمینان آفرین نیز هست (← < دانشنامهٔ معیار کتاب مقدّس>، همانجا). همچنین گفته شده است که هر چهار بار حضور جبرئیل در کتاب مقدّس به نحوی ناظر به وعدهٔ الاهی به ظهور مسیح است (← همانجا).

جبرئیل در آثار غیررسمی و مجعول بین عهدین (برای نمونه کتاب اول خنوخ) و بعد آن حضور برجسته‌ای دارد و در حد ملکی مقرب ارتقا یافته است. در ترجمه و تفسیر آرامی تورات، نقش جبرئیل بیشتر شده و به او فعالیتهایی نسبت داده شده که در دوره‌های اولیهٔ عهد عتیق اتفاق افتاده است، مثلاً اوست که یوسف را راهنمایی می‌کند (← سفر پیدایش، ۳۷:۱۵) یا در دفن موسی شرکت دارد (← سفر تثنیه، ۳۴:۶؛ < دانشنامهٔ معیار کتاب مقدّس>، همانجا). همچنین در مأثورات یهودی، جبرئیل که تصور می‌شود از آتش ساخته شده، در کنار میکائیل*، اوریل و رافائیل جزو چهار فرشته‌ای است که در اطراف عرش‌اند. به علاوه، او در زمرهٔ فرشتگان ملاقات‌کننده با ابراهیم و نیز ویران کنندهٔ سَدوم (از قرای قوم لوط) دانسته شده است (← د. جودائیکا[3]، ذیل "Michael and Gabriel").

هر چند جبرئیل هم در سنّت یهودی و هم در سنّت مسیحی، به مرور زمان، اهمیت و ارج و قرب بیشتری یافته و حتی تصویر او به صورت فرشته‌ای بالدار به آثار هنری راه پیدا کرده است، نه در سنّت یهودی (که در آن میکائیل مدافع

1. *The International standard Bible encyclopedia*

2. *New Catholic encyclopedia*

3. *Encyclopaedia Judaica*

دانشنامهٔ جهان اسلام، مج 9، تهران 1384. İSAM 174949

دایرة المعارف تشیع، جلد پنجم، ۱۳۷۵، تهران. ON:61471
MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN



۴۴۱۷/۱ و ۲۰۹۱/۳ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است؛ ۴) شیخ هاشم بن زین العابدین تبریزی نجفی (م۱۳۲۳ق)؛ ۵) میرزا محمد خان وحید تنکابنی، کتاب او در این زمینه در دو جلد به سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱۵ش در تهران به چاپ رسیده است.

منابع: *الذریعة*، ۸۶/۵–۸۸؛ *فهرست کتابهای چاپی فارسی*، ۱۵۲۰/۲–۱۵۲۲؛ *فهرست کتابهای چاپی عربی*، ۲۴۸ و ۷۵۰ و ۷۵۱؛ *فهرست کتابخانهٔ سپهسالار*، ۶۱۹/۱، ۲۷/۴–۲۸؛ *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران*، ۳۱/۱؛ *جبر و مقابله*، خواجه نصیر الدین طوسی، به کوشش اکبر دانا سرشت، (دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ش).

محمد حسین روحانی

**جبری مصری**، معروف به «جبر» و «ابن جبر» مصری (۴۲۰–۴۸۷ق)، از شعرای شیعی دیار مصر که در عهد خلیفهٔ فاطمی مستنصر بالله می‌زیست. علامه سید محسن امین، او را «شاعر آل محمد» خوانده است. شهرت جبری به خاطر قصیدهٔ غرّائی است که در ثناگستری اهل بیت پیامبر (ص) سروده است و به بیش از صد بیت می‌رسد. شاعر در آن چکامهٔ بلند و درخشان، به مدح حضرت امام علی (ع) واقعهٔ تاریخی روز غدیر و تعیین آن حضرت به مقام ولایت و امامت امت، توسط پیامبر خدا، ذکر فضائل و مظلومیت آل علی، حادثهٔ حماسی و در عین حال غم‌انگیز کربلا، مذمت و نکوهش دشمنان خاندان عصمت و طهارت، و... پرداخته است. از جمله ویژگیهای مهم این قصیدهٔ جاویدان، تلمیحات و اشاراتی است به آیات قرآن و احادیث نبوی در شأن و منزلت و عظمت علمی و معنوی اهل بیت به‌ویژه امام علی (ع) و فرزندان معصوم او و نقش اساسی و رهبری آنان در حفظ دین اسلام و هدایت مردم. این دو بیت از آن قصیدهٔ پرمحتوای جبری است:

و تزوّدی من حبّ آل محمد
زاداً متی اخلصته نجّاک
و لتُسألنّ عن الولاء لحیدر
و هو «النّعیم» شقاک عنه ثناک

منابع: *اعیان الشیعة*، ۶۳/۴؛ *الغدیر*، ۳۱۳/۴–۳۱۷؛ *ادب الطف*، ۳۲۸/۲–۳۳۳.

مصطفی قلیزاده

Cebrail

**جبرئیل** (به عبری به معنای *مردخدا*)، یکی از چهار فرشتهٔ مقرّب، و برترین آنها (آن سه فرشتهٔ دیگر: میکائیل، اسرافیل و عزرائیل) در ادیان ابراهیمی که رابط میان خداوند و پیامبران است. در قصص یهودیت و مسیحیت و اسلام و در سنت این سه دین توحیدی، از نقش جبرئیل بسیار یاد شده است. جبرئیل، ابراهیم (ع) را از آتش به فرمان خدا نجات داد و موسی (ع) را در مبارزه با فرعون حمایت کرد و هنگام خروج بنی اسرائیل از مصر، فرعونیان را به بحر احمر کشانید و در آن غرق کرد. بر شموئیل ظاهر شد و همچنین به داوود (ع) ساختن زره آموخت. او به دانیال نبی تفسیر رؤیا آموخته است. همو زکریا (ع) را به ولادت یحیی (ع) و مریم (علیهاالسلام) را به ولادت عیسی (ع) بشارت داد (*اعلام قرآن*، *قاموس کتاب مقدس*، ذیل جبرئیل). در سنت اسلامی و قرآن کریم، جبرئیل همان روح القُدُس است. دلیل صریح قرآنی بر اینکه روح‌القدس همان جبرئیل است، آیهٔ ۱۰۲ سورهٔ نحل است: «قل نزّله روح القدس من ربّک» (بگو آن ــ قرآن ــ را روح القدس از سوی پروردگارت نازل کرده است). همچنین آیهٔ ۹۷ سورهٔ بقره: «قل من کان عدوّا لجبرئیل فانّه نزّله علی قلبک باذن الله» (بگو هرکس دشمن جبرئیل شد (بداند) که جبرئیل آن (قرآن) را به دستور الهی بر دل تو نازل کرده است). از جبرئیل سه بار در قرآن به صورت «جبریل» نام برده شده است (بقره، ۹۷، ۹۸؛ تحریم، ۴). او حامل وحی قرآن به پیامبر اکرم (ص) است. همچنین در قرآن گاه به عنوان «روح» از او تعبیر شده است (غافر، ۱۵؛ مجادله، ۲۲). همچنین «الروح الامین» (شعراء، ۱۹۳)، «شدید القویٰ» (نجم، ۵۰) و «رسول کریم» (تکویر، ۱۹–۲۱) نیز نامیده شده است. در سورهٔ نجم اشاراتی هست که به ملاقات یا مواجههٔ پیامبر (ص) با جبرئیل، تصریح دارد. طبق احادیث بسیاری، جبرئیل به صورت جوان خوشرویی به نام دحیهٔ کلبی بر حضرت (ص) ظاهر می‌شده است. همچنین از مطاوی احادیث، این نکته برمی‌آید که حضرت رسول (ص) جبرئیل را به صورت اصلی خودش نیز مشاهده کرده است. همچنین حدیثی از ابن شهاب نقل شده است که حضرت رسول (ص) از جبرئیل خواست که او را به صورت اصلی‌اش ببیند. جبرئیل گفت شما تاب نمی‌آورید. حضرت (ص) اصرار کردند تا جبرئیل به صورت اصلی‌اش ظاهر شد و حضرت (ص) از حیرت و هیبت تماشای او بیهوش شد (*بحارالانوار*، ۱۷۴/۵۹، ۲۵۹). جبرئیل در تاریخ صدور و تکوین اسلام و سیرهٔ نبوی حضور معنوی دارد. هنگامی که نخستین سورهٔ قرآن (سورهٔ علق) را درکوه حرا، بر پیامبر (ص) ابلاغ کرد، ورقة بن نوفل، خدیجه همسر پیامبر (ص) را مطمئن کرد که او همان *ناموس اکبر* است که پیشتر بر موسی (ع) نازل شده است (*سیرت رسول الله*، ۲۱۰/۱، دربارهٔ اولین دیدار حضرت رسول (ص) با جبرئیل، همان اثر، ۲۰۸). شرح صدر [سینه‌گشایی معجزه آسای] پیامبر (ص) به مدد او و میکائیل انجام گرفته است. او وضوگرفتن و نماز خواندن را به حضرت (ص) تعلیم داده است، در غزوهٔ بدر با هزاران فرشته به مدد پیامبر اسلام (ص) و یاران او آمده است. در معراج همسفر و راهنمای حضرت رسول (ص) بوده است. و در منتهای معراج، در سدرة المنتهی، از سیر بازماند و به حضرت (ص) گفت دیگر مأذون نیست که پیشتر رود و حضرت (ص) به تنهایی به سیر معراج ادامه داد. چنان که سعدی در

The Oxford Dictionary of Byzantium. vol: II
New York 1991 , s. DN:45888-2



ED. *Die Briefe des Matthaios von Ephesos*, ed. D. Reinsch (Berlin 1974), with Germ. tr. L. Previale, "Due monodie inedite di Matteo di Efeso," *BZ* 41 (1941) 4–39. *Matteo di Efeso. L'ekphrasis per la festa di Pasqua*, ed. A. Pignani (Naples 1981), with Ital. tr. For complete list, see *Tusculum-Lexikon* 261.

LIT. S.I. Kourouses, *Manouel Gabalas eita Matthaios metropolites Ephesou (1271/2–1355/60), A'. Ta Biographika* (Athens 1972). *PLP*, no.3309. Vryonis, *Decline* 328, 343–48.

–A.M.T.

**GABRAS** (Γαβρᾶς, fem. Γάβραινα), a noble Byz. family known from the second half of the 10th C. The Gabrades were predominantly military commanders in the East who participated in several rebellions: Constantine (died 979) supported Bardas SKLEROS, Michael was arrested in 1040. Theodore Gabras became semi-independent governor of Trebizond; his portrait and that of his wife, Irene, appear on leaves in Leningrad Publ. Lib. gr. 291, taken from the gospel book Sinai gr. 172, which was commissioned by Theodore and written in May 1067. The inscription on folio 2v describes him as *patrikios* and *topoteretes*, while the colophon calls him *hypatos* (Spatharakis, *Corpus*, no.82). Constantine Gabras, *strategos* of Philadelphia and later *doux* of Trebizond, controlled the latter city from 1126 to 1140 as an independent ruler. His exploits may have inspired the plot of the forged Byz. romance, the so-called Gabras-song, written down ca.1900. Several Gabrades served the Seljuks in the 12th–13th C. Although some Gabrades held administrative positions in the first half of the 14th C. (e.g., Gabras Komnenos, *krites tou phossatou*, ca.1300), they are better known as intellectuals, esp. Michael Gabras and his brother John, also a writer (see GABRAS, MICHAEL).

LIT. A. Bryer, "A Byzantine Family: the Gabrades," *University of Birmingham Historical Journal* 12 (1970) 164–87, with add. A. Bryer, S. Fassoulakis, D.M. Nicol, *BS* 36 (1975) 38–45. *PLP*, nos. 3319–73. H. Bartikian, "O vizantijskoj aristokratičeskoj sem'e Gavras," *IFŽ*, no.3 (1987) 190–200, no.4, 181–93; no.1 (1988) 163–78. A. Avraméa, "Manuel Ducas Comnène Gavras de Troade: A propos de CIG IV 2, no.8763," *Geographica byzantina* (Paris 1981) 37–41.

–A.K., A.C.

**GABRAS, MICHAEL,** writer and official of the imperial chancery; born ca.1290, died after 1350. Almost nothing is known of Gabras except for the internal evidence of his voluminous correspondence. A resident of Constantinople, he eked out a meager living as a bureaucrat, and seems to have had continual (or pretended) financial difficulties: many letters to his friends are requests for necessities such as bread, salt, fish, wheat, and barley.

Gabras was the author of a number of rhetorical works, including eulogies of his mother and father, four orations to Andronikos II, and a monody on the deceased Michael IX. He also wrote "criticism of books" and a book on dreams. None of his oeuvre has survived, except for a large group of 462 letters dating between 1308 and 1327. These are addressed to 111 different individuals, including luminaries such as Andronikos II, John (VI) Kantakouzenos, Nikephoros Choumnos, and Theodore Metochites. Despite the emphasis upon style over content common to Byz. EPISTOLOGRAPHY, Gabras's letters are not without interest. Some are requests for favors, complaints about his health, and lamentations over the death of his brother, John; many others deal with literary matters as Gabras exchanges MSS with his friends and seeks their opinion of his own work.

ED. *Die Briefe des Michael Gabras (ca.1290–nach 1350)*, ed. G. Fatouros, 2 vols. (Vienna 1973).

LIT. Hunger, *Lit.* 1:232f. *PLP*, no.3372. –A.M.T.

**GABRIEL** (Γαβριήλ, in Hebrew meaning "man of God"), angel; feastday 26 March. Gabriel appears in the Old Testament in the vision of DANIEL (Dan 8:15–16, 9:21–22) and in the Gospel of Luke (Lk 1:11–13, 19, 26–38) as the messenger announcing the forthcoming births of John the Baptist and Jesus Christ. He was popular in Jewish legend and apocrypha as a guardian of the world and as a destroyer of enemies and sinners; for Muslims he is the one who revealed the QUR'ĀN to Muḥammad. In Christian tradition Gabriel was promoted to the rank of ARCHANGEL (not conferred upon him in the Bible) and revered either together with the Archangel MICHAEL or in connection with the ANNUNCIATION.

Gabriel's function as a messenger was expressed by his carrying a walking staff, but he could also be depicted frontally as a guardian, clad in the imperial garb of an archangel holding globe and scepter, accompanying, along with Michael, the figure of Christ or the Virgin (e.g., the bema mosaics in HAGIA SOPHIA in Constantinople, NEA

5 HAZİRAN 1992



(Ansiklopedik İslam Lugatin de neşredilmiştir)

# CEBRAİL

M.Saim YEPREM

Kelime olarak Cebrail ve Cibril şekillerinde de kullanılır. Aslı İbranice olan ve "Abdullah" (Allah'ın kulu) manasına gelen bu kelimenin daha az kullanılan 14 şekli vardır.

Peygamberlik vasfını da taşıyan ve Allah'a en yakın dört melek olan "Mukarrab" meleklerden birinin adıdır. Namus-i a'zam, Ruhu'l-kudüs, er-Ruhu'l-emin, er-Ruh isimleriyle de anılan Cebrail, Kur'an-ı kerim'de bu isimle 3 yerde zikrolunmaktadır. (Bk. el-Bakara, 97, 98; et-Tahrim, 4). Diğer bazı ayetlerde de öbür isimleriyle veya işaret ve ima yoluyla zikri geçmektedir.

İslam inancına göre Cebrail (a.s.) peygamberlere Allah'ın emirlerini tebliğ eden, peygamberler ile Allah arasında elçilik eden, Kur'an-ı kerim'in ifadesiyle Allah'ın insanlarla elçi vasıtasıyla konuşmasında bu görevi ifa eden melektir.

Bakara Suresi 97 ve 98. ayetlerde "De ki Cebrail'e düşman olan kimse Allah'a düşmandır. Çünki o, Kur'an'ı Allah'ın izniyle kendinden öncekini tasdik ederek, yol gösterici ve inananlara müjdeci olarak senin kalbine indirmiştir. Allah'a meleklerine, peygamberlerine, Cebrail'e ve Mikail'e düşman olan kimse inkar etmiş olur. Allah, şüphesiz inkar edenlerin düşmanıdır." buyurulmaktadır. Bu ayetlerde Cebrail'in görevinin Kur'an'ı indirmek olduğu açıkça beyan edilmektedir.



MARMARA ÜNİVERSİTESİ İLAHİYAT FAKÜLTESİ KÜTÜPHANESİ
M. Saim Yeprem Tarafından ... edilmiştir.
... / 5 / 1989